

مقدمه:

امروزه بسیاری از کشورهای جهان خواستار دستیابی به توسعه اند. طرح های توسعه ای که در این کشورها دنبال می شود معمولا همان برنامه هایی است که جامعه شناسان یا سیاستمدان غربی پیشنهاد می کنند. در بسیاری از این طرح ها، تا زمانی دراز، وضعیت زنان در نظر گرفته نمی شد یا این طرح ها به گونه ای اجرا می شد که به وخیم تر شدن وضعیت زنان می انجامید. یعنی با وجود اینکه زنان نیمی از جامعه انسانی را تشکیل می دهند اما حضور آنان در جامعه پررنگ به نظر نمی رسید. نادیده گرفتن زنان، نابرابری در دسترسی به منابع موجود، وجود برخی تبعیض های اجتماعی، عدم وجود یک نگرش همه جانبه درباره زنان و غیره از جمله دلایلی می باشند که نقش برجسته این قشر از جامعه را کمرنگ و کمرنگ تر ساخته است. البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که در حال حاضر زنان و مسائل مربوط به آنها برای حکومت ها، سیاست گزاران، فعالان حقوقی و پژوهشگران اهمیت ویژه ای یافته، جهت گیری دولت ها درباره توانمندی ها و مشارکت های اقتصادی و اجتماعی زنان دستخوش تغییر شده است.

دستیابی به برابری جنسیتی مستلزم ایجاد جامعه ای است که در آن زنان و مردان از فرصتهای برابر، حقوق برابر، دستمزد برابر، در همه عرصه های زندگی برخوردار باشند. برابری جنسیتی زمانی تحقق می یابد که زن و مرد امکان دسترسی برابر به قدرت و اعتبار را داشته باشند؛ زن و مرد از فرصتهای برابر در دستیابی به استقلال مالی از طریق کار یا راه اندازی اشتغال خاص برخوردار گردند؛ زن و مرد امکان دسترسی برابر به آموزش و توسعه توانمندیهای شخصی خود را داشته باشند. (بی نام، ۱۳۸۶).

نیمی از منابع انسانی موثر در توسعه جوامع بشری را زنان تشکیل می دهند با وجود این تاکنون نقش آنها در مراحل مختلف توسعه آن گونه که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته و یا فرایند توسعه بر وضعیت این گروه از جامعه مشخص نشده است می توان گفت زنان در مورد هدف گذاریهای توسعه و دستیابی به آنها در حاشیه قرار داده شده اند آمارهای موجود نشان از آن دارد که وضعیت این بخش از جامعه انسانی در فرایند توسعه نامساعد بوده و به آنان به عنوان یک عامل بنیادی توجه کافی نشده است. هم اینک ۹۰ درصد کشورهای جهان دارای تشکیلاتی برای پیشرفت پایگاه اجتماعی زنان هستند با وجود این آنان به دلیل آموزش کم، نداشتن اعتماد به نفس مسئولیتهای گوناگون و سنگین، حضور اندکی در سطوح مختلف تصمیم گیری دارند. (عرب مازاروسعدی، ۱۳۸۳).

حال باید دید که چگونه می شود به یک توانمندسازی رسید؟ چگونه می شود زنان ما را توانمند سازیم؟ تعاونی های زنان چقدر می توانند در این امر نقش داشته باشند؟ آیا فردی می تواند بدون افزایش توانمندی خود یک کارآفرین موفق باشد؟